

# حاج آقارحیم

خاطره‌ها و تجربه‌ها

و فرمودند: والدین شما نگران شده‌اند که شما نمازتان را به فارسی می‌خوانید. آن‌ها نمی‌دانند که من کسانی را می‌شناسم که، نعوذبالله اصلاً نماز نمی‌خوانند. شما جوانان پاک اعتقادی هستید که هم اهل دین هستید و هم اهل همت. من در جوانی می‌خواستم مثل شما نماز را به فارسی بخوانم، اما مشکلاتی پیش آمد که نتوانستم به این خواسته جامه عمل بپوشم. اکنون شما به خواسته دوران جوانی من لباس عمل پوشانیده‌اید. آفرین به همت شما. اما من در آن روزگار به اولین مشکلی که برخوردیم، ترجمه صحیح سوره حمد بود که لابد شما آن مشکل را حل کرده‌اید. اکنون یک نفر از شما که از دیگران بیشتر مسلط است، به من جواب دهد که بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم را چگونه ترجمه کرده است. یکی از ما، به عادت محصلین، دستش را بالا گرفت و داوطلب پاسخ به حضرت آیت‌الله ارباب شد. جناب ایشان با لبخند فرمودند خوب شد که طرف مباحثه ما یک نفر است، زیرا من از عهده پانزده جوان نیرومند بر نمی‌آیم. بعد رو به آن جوان کردند و فرمودند: خوب بفرمایید که بسم‌الله را چگونه ترجمه کرده‌اید؟ آن جوان گفت بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم را طبق عادت جاری ترجمه کرده‌ایم: به‌نام

حکیم فرزانه، فقیه بزرگوار و معلم اخلاق حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب از علمای بزرگ اصفهان و استادی مسلم در تمام علوم اسلامی متداول از جمله حکمت، ادبیات، تفسیر، کلام، هیئت، ریاضی و فقه و اصول بود. آن بزرگوار علاوه بر دانش سرشار، فردی عارف، پرکار، مؤدب، متواضع و در مجموع لگو و نمونه‌ای از یک انسان کامل بود، طوری که در آن سال‌ها رفتار و برخوردهای ایشان با مردم زبانزد خاص و عام است.

سال ۱۳۳۲ بود. من و عده‌ای از جوانان پرشور آن روزگار پس از تبادل نظر و بحث و مشاجره به این نتیجه رسیده بودیم که چه دلیلی دارد که ما نماز را به عربی بخوانیم؟ چرا نماز را به زبان فارسی نخوانیم؟ و عاقبت تصمیم گرفتیم که نماز را به فارسی بخوانیم و همین کار را هم کردیم. والدین، کم‌کم از این موضوع آگاهی یافتند و به فکر چاره افتادند. تصمیم گرفتند که اول خودشان با نصیحت کردن، ما را از این کار باز دارند و اگر مؤثر نبود راه دیگری برگزینند. چون پند دادن آن‌ها مؤثر نرفت روزی ما را به نزد یکی از روحانیون آن زمان بردند. آن فرد روحانی وقتی فهمید ما به زبان فارسی نماز می‌خوانیم به طرز اهانت آمیزی ما را کافر و نجس خواند. این عمل او ما را در کارمان راسخ‌تر و مصرت‌تر ساخت. عاقبت یکی پدران، آن‌ها را، یعنی والدین دیگر افراد را به این فکر انداخت که ما را به محضر حضرت آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب ببرند و این فکر مورد تأیید قرار گرفت. روزی آن‌ها نزد ایشان می‌روند و موضوع را با ایشان در میان می‌گذارند. ایشان دستور می‌دهند که در وقت معینی ما را به خدمت آقای ارباب راهنمایی کنند. در روز موعود، ما که تقریباً پانزده نفر می‌شدیم به محضر ایشان رفتیم. در همان لحظه اول چهره نورانی و لبان خندان ایشان ما را مجذوب خود ساخت. دانستیم که با شخصیتی استثنایی مواجه هستیم. ایشان در آغاز دستور پذیرایی از همه ما را صادر فرمودند، سپس رو به والدین ما کردند و فرمودند شما که نماز را به فارسی نمی‌خوانید فعلاً تشریف ببرید و مرا با فرزندانمان تنها بگذارید. وقتی آن‌ها رفتند حضرت آیت‌الله ارباب رو به ما کردند و فرمودند بهتر است شما یکی یکی خودتان را به من معرفی کنید و هر کدام بگویید که در چه سطح تحصیلی هستید و در چه رشته‌ای درس می‌خوانید. پس از آن که امر ایشان را اطاعت کردیم، به تناسب رشته و کلاس هر کدام از ما پرسش‌های علمی طرح کردند و از درس‌هایی از قبیل جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و علوم طبیعی مسائلی پرسیدند که پاسخ اغلب آن‌ها از عهده درس‌های نیم‌بندی که ما خوانده بودیم خارج بود، اما هر یک از ما از عهده پاسخ پرسش‌های ایشان بر نمی‌آمد، با اظهار لطف حضرت ارباب مواجه می‌شد که با لحن پدرانه‌ای پاسخ درست آن پرسش‌ها را خودشان می‌فرمودند. اکنون پس از سال‌ها می‌فهمم که ایشان با طرح این سؤالات قصد داشتند ما را خلع سلاح کنند و به ما بفهمانند که آن دروس جدید که شما می‌خوانید من بهترش را می‌دانم ولی به آن‌ها مغرور نشده‌ام. پس از این که همه ما را خلع سلاح کردند به موضوع اصلی پرداختند



غلامحسین  
افتخاری  
(۱۳۳۱)

دبیر بازنشسته، عضو مجمع خیرین مدرسه‌ساز، کرمانشاه غلامحسین افتخاری به اظهار خود: «من که به تعلیم میان بسته‌ام/ از غرض سود و زیان رسته‌ام» طی پنجاه سال معلمی، پیوسته در خدمت آموزش و پرورش بوده است. وی به مدت ۱۵ سال که نیمی از آن در جنگ گذشت، مدیریت مدرسه‌ای را در کرمانشاه به عهده داشت و بعد از بازنشستگی، مدیریت دفتر جهاد مقدس مدرسه‌سازی و مجمع خیرین مدرسه‌ساز کرمانشاه را به صورت افتخاری به عهده گرفت که طی سال‌های خدمت او، صدها باب مدرسه از سوی افراد خیر، نهادها، ارگان‌ها، صنایع و کارخانه‌ها ساخته شد و در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت.

# مهر ارباب و جوانان

دکتر محمد جواد شریعت \*

خداوند بخشندهٔ مهربان. حضرت ارباب بالبختندی فرمودند: گمان نکنم که ترجمهٔ درست بسم الله چنین باشد. در مورد کلمهٔ «اسم» ترجمهٔ «به نام» عیبی ندارد. اما «الله» قابل ترجمه نیست، زیرا اسم علم (خاص) است برای خدا، و اسم علم را نمی توان ترجمه کرد. مثلاً اگر اسم کسی حسن باشد می توان گفت زیبا؟ درست است که ترجمهٔ حسن زیباست، اما اگر به آقای حسن بگویم آقای زیبا، حتماً خوشش نمی آید. کلمهٔ الله اسم خاص است که مسلمانان بر ذات خداوند متعال اطلاق می کنند، همان گونه که یهود خدای متعال را «یهوه» و زردشتیان «اهورامزدا» می گویند. بنابراین نمی توان «الله» را ترجمه کرد، بلکه باید همان لفظ جلاله را به کار برد. خوب «رحمن» را چگونه ترجمه کرده اید؟ رفیق ما پاسخ داد که «رحمن» را بخشنده معنی کرده ایم. حضرت ارباب فرمودند که این ترجمه بد نیست، ولی کامل هم نیست، زیرا رحمن یکی از صفات خداست که شمول رحمت و بخشندگی او را می رساند و این شمول در کلمهٔ بخشنده نیست، یعنی در حقیقت رحمن یعنی خدایی که در این دنیا هم بر مؤمن و هم بر کافر رحم می کند و همه را در کف لطف و بخشندگی خود قرار می دهد، از جمله

آن که نعمت رزق و سلامت جسم و امثال آن عطا می فرماید. در هر حال ترجمهٔ بخشنده برای رحمن در حد کمال ترجمه نیست. خوب، رحیم را چه طور ترجمه کرده اید؟ رفیق ما جواب داد رحیم را به مهربان ترجمه کرده ایم. حضرت آیت الله ارباب فرمودند: اگر مقصودتان از رحیم من بودم (چون نام مبارک ایشان رحیم بود) بدم نمی آمد که اسم مرا به «مهربان» برگردانید! اما چون رحیم کلمه ای قرآنی و نام پروردگار است باید آن را غلط معنی نکنیم. باز هم اگر آن را به بخشاینده ترجمه کرده باشید، راهی به دهی می برد، زیرا رحیم یعنی خدایی که در آن دنیا گناهان مؤمنان را عفو می کند و صفت بخشاینده تاحدودی این معنی را می رساند. بنابراین آن چه گفته شد، معلوم است که آن چه در ترجمهٔ «بسم الله» آورده اید بد نیست، ولی کامل نیست و از جهتی نیز در آن اشتباهاتی هست، و من هم در دوران جوانی که چنین قصدی را داشتم به همین مشکلات برخورد کردم و از خواندن نماز به فارسی منصرف شدم، تازه این فقط آیهٔ اول سورهٔ حمد بود، اگر به بقیهٔ آیات پردازیم، موضوع خیلی غامض تر از این خواهد شد. اما من عقیده دارم شما اگر باز هم به این امر اصرار دارید، دست از نماز خواندن به فارسی برندارید، زیرا خواندنش بهتر از خواندن نماز به طور کلی است. در این جا، همگی شرمنده و منفعل و شکست خورده، از ایشان عذرخواهی کردیم و قول دادیم که دیگر نمازمان را به فارسی نخوانیم و نمازهای گذشته را نیز اعاده کنیم. اما ایشان باز فرمودند که من نگفتم نماز به عربی بخوانید، هر طور دلتان می خواهد نماز بخوانید، من فقط مشکلات این کار را برای شما شرح دادم. حضرت آیت الله ارباب با تعارف میوه و شیرینی مجلس را به پایان بردند و ما همگی در حالی که ایشان تادم در ما را بدرقه می کردند، خدا حافظی کردیم و در دل به عظمت شخصیت این عالم بزرگ آفرین می گفتیم و خوش حال بودیم که افتخاری چنین نصیب ما شد که با چنین شخصیتی ملاقات کنیم. نمازها را اعاده کردیم و دست از کار جاهلانتهٔ خود برداشتیم. بنده از آن به بعد گاه گاهی به حضور آن جناب می رسیدیم و از خرمن علم و فضیلت ایشان خوشه ها برمی چیدم. وقتی در دورهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به تحصیل مشغول بودم، گاهی حامل نامه ها و پیغام های استاد فقید، مرحوم بدیع الزمان فروزانفر برای ایشان می شدم و پاسخ های کتبی و شفاهی حضرت آیت الله را برای آن استاد فقید می بردم و این خود افتخاری برای بنده بود. گاهی نیز ورقه های استفتائی که به محضر آن حضرت رسیده بود روی هم انباشته می شد و آن جناب دستور می دادند که آن ها را بخوانم و پاسخ آن ها را طبق نظر آن حضرت بنویسم و پس از خواندن پاسخ، اگر اشتباهی نداشت آن را مهر می کردند که در این مرحله با بزرگواری های زیاد از سوی آن حضرت مواجه می شدم که اکنون مجال بیان آن ها فراهم نیست. خدایش بامرزد و او را غریق دریای رحمت خویش کند. انه کریم رحیم.



کریم سینا  
(۱۳۳۹)

دبیر اقتصاد، مؤسس، مؤلف، مازندران

وی در آموزش و پرورش مازندران شاغل است و در جنب آن فعالیت های بسیاری انجام داده است: تأسیس دانشگاه پیام نور شه میرزا، تأسیس دانشگاه آزاد نکا، ریاست شورای شهر نکا در دوره اول، و عضویت در گروه های آموزشی استان. وی تألیفاتی نیز دارد: از جمله: کتاب شاخص جهانی شدن و جایگاه اقتصاد ایران، اقتصاد و انتخابات (مقاله)، جهانی شدن و عدالت اجتماعی و اقتصادی (مقاله)، ریاضیات و نقش آن در اقتصاد (مقاله).

